



شرکت‌های نفتی؛ بازنده‌ها و برنده‌ها

حداقل نفعی که دسترسی به بازارها داشت این بود که شرکت‌های بزرگ نفتی از یک سو به سود حاصل از خرده فروشی دسترسی داشته و از سوی دیگر از روند تقاضای فرآورده‌ها توسط مصرف کنندگان آگاهی داشتند و به این ترتیب می‌توانستند فعالیت‌های خود را در مناطقی متمرکز کنند که با رشد تقاضا رو به رو هستند.

ولی با توجه به تنزل جایگاه شرکت‌های نفتی بین‌المللی در بازار کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (او ای سی دی)، دسترسی به اطلاعات مربوط به بازار ارزش اندکی دارد. به‌علاوه میزان سود خرده فروشی این شرکت‌ها در رقابت با بازارهای بزرگ‌تر در تنگنا قرار گرفته است. واکنش شرکت‌های بین‌المللی در برابر چنین وضعیتی فروش دارایی‌هایشان بوده است.

شرکت‌های نفتی بین‌المللی مایلند فروش دارایی‌های خود در پالایشگاه‌های کشورهای عضو او ای سی دی و نیز مراکز خرده فروشی را با افزایش حضور در بازارهای نوظهور جبران کنند. اما ورود به این بازارها به راحتی ممکن نیست. به گفته معاون بخش اروپا و جنوب آفریقای شرکت بریتیش پترولیوم، «بازارهای رو به گسترش با بازارهایی که بریتیش پترولیوم به طور سنتی در آن‌ها فعالیت داشته است» فرق می‌کنند. شرکت‌های بزرگ نفتی از نظر مالی و فن‌آوری چندان مزیتی ندارند که آن را به پالایشگاه‌های چین و یا هند عرضه کنند.

شرکت شل نیز با به فروش گذاردن دارایی‌های خود در اروپا، نیمی از راه گذار از بازارهای سنتی به بازارهای در حال گسترش جدید را پیموده است. اما فعالیت‌های جدید در آسیا - اقیانوسیه نیز به آسانی ممکن نیست. این شرکت به دلایل «راهبردی و تجاری» از پروژه سرمایه‌گذاری مشترک پالایشی با سینیوک و کی پی سی در جنوب چین کنار کشیده است.

ناکامی در نفوذ به بازارهای نوظهور

به جای نفوذ شرکت‌های نفتی بین‌المللی، شرکت‌های کشورهای گروه بریک (Bric) یعنی برزیل، روسیه، هند و چین، خرید دارایی پالایشگاه‌های خارجی در بازارهای نوظهور را آغاز کرده‌اند. شرکت دولتی پتروچاینا اس‌اس‌بی‌اس سنگاپور را خرید و ۵۰ درصد پالایشگاه اس آر سی را که روزانه ۲۸۵ هزار بشکه نفت در روز پالایش می‌کند، به دست آورد.

شرکت لوک اویل (Luk oil) روسیه نیز ۴۵ درصد سهم شرکت توتال در پالایشگاه فالاشینگ هلند را با ظرفیت تولید روزانه ۱۵۰ هزار بشکه به دست آورد. شرکت پتروبراس برزیل نیز پالایشگاه‌هایی با ظرفیت ۱۰۰ هزار بشکه در روز در شهرهای پاسادنا، تگزاس و اوکیناواوی ژاپن را در اختیار دارد.

سرمایه‌گذاران این سه کشور عضو گروه بریک، در حال حاضر از سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش پایین دستی دیگر کشورها پرهیز می‌کنند، اما شرکت‌های هندی اسار (Essar) و ریلاینس امیدوارند فعالیت خود را در خارج از مرزها گسترش دهند. شرکت اسار در حال گفت‌وگو برای خرید سه پالایشگاه شل در اروپا است. تولیدکنندگان خلیج فارس نیز مشکلات مشابهی با شرکت‌های بین‌المللی دارند. آرامکوی عربستان سرمایه‌گذاری مشترکی با اکسون موبیل و شرکت پالایشی سینیوک (Sinopec)، که دولتی است، در فوجیان چین دارد ولی دریافته است که ورود به بازارهای پایین دستی دشوار است.

عربستان سعودی و دیگر تولیدکنندگان خلیج فارس به جای توسعه فعالیت‌های خود در بخش پایین دستی آسیا - اقیانوسیه فعالیت‌های خود را حول محور ارتقاء پالایشگاه‌ها در داخل متمرکز کرده‌اند و در این زمینه اغلب با شرکت‌های نفتی بین‌المللی همکاری دارند.

به نظر می‌رسد شرکت‌های نفتی بین‌المللی تحت فشار قرار گرفته‌اند. این شرکت‌ها از یک سو با تولیدکنندگان نفت خام روبرویند که هنوز کنترل بخش بالادستی را، که در پایان دهه ۱۹۷۰ به دست آوردند، در اختیار دارند و از سوی دیگر شیوه تهاجمی شرکت‌های پالایشی نوظهور را در بازارهای رو به رشد پیش‌رو دارند. این شرکت‌های پالایشی جدید که از حمایت دولتی نیز برخوردارند، بر بازار کشورهای خود مسلط‌اند و در گستره جهانی سود فعالیت در بخش پایین دستی را کاهش می‌دهند.

شرکت‌های نفتی بین‌المللی در حال ارزیابی راهبردهای بلندمدت خود در بخش پایین‌دستی هستند چرا که مانند دهه هفتاد که کنترل خود را بر ذخایر بزرگ نفت خام از دست دادند، نشانه‌ها حاکی از آن است که ظرف ۲۰ سال آینده سیطره خود را بر بخش پایین‌دستی نیز از دست خواهند داد. شرکت‌های نفتی بین‌المللی نه تنها بازارهای سنتی خود را در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) از دست داده‌اند بلکه در به دست آوردن سهم حائز اهمیتی در بخش پایین دستی بازارهای رو به رشد آسیا - اقیانوسیه نیز ناکام مانده‌اند.

اگر چه سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی در حال افزایش است، اما به دلیل دسترسی نداشتن شرکت‌های نفتی بین‌المللی به منابع نفتی که با هزینه اندک تولید می‌شوند، امکان افزایش قابل ملاحظه تولید وجود ندارد. اما درست برعکس، سرمایه‌گذاری در بخش پایین‌دستی، با وجود رکود جهانی، ظرفیت تولید را در این بخش افزایش داده و به این ترتیب کمبود ظرفیت پالایش در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۵، به سرعت جای خود را به مازاد فراوان و فزاینده ظرفیت پالایشی داده است.

در حالی که شرکت‌های پالایشی حوزه آتلانتیک، به دلیل مازاد فراوان قصد دارند فعالیت‌های خود را در بخش پایین‌دستی متوقف و یا حتی آن را به دیگران واگذارند، کشورهای نوظهور با در نظر گرفتن تخفیف‌های مالیاتی و تضمین سود، سرمایه‌گذاری در طرح‌های پالایشگاهی را تشویق می‌کنند.

مازاد پالایش جهانی در بخش پایین دستی که در حال حاضر ۸ میلیون بشکه در روز است حداقل تا سال ۲۰۱۲ ادامه خواهد یافت، زیرا روند افزایش تقاضا از میزان ساخت تأسیسات پالایشی جدید در چین، هند، خاورمیانه و آمریکای جنوبی پیشی نخواهد گرفت و سرمایه‌گذاری در بخش پالایش این مناطق، به رغم اشباع ظرفیت‌ها، افزایش خواهد یافت.

جابجایی سهم بازار در بخش پایین دستی به نفع شرکت‌های بومی اقتصادهای نوظهور، ساختار شرکت‌های نفتی بین‌المللی را که به طور عمودی در هم ادغام شده‌اند، زیر سوال برده است. دلیل ادغام عمودی شرکت‌های نفتی بین‌المللی دسترسی به بازارها بود. این شرکت‌ها نفت خامی را که از طریق فعالیت‌های سودآور در بخش بالادستی به دست می‌آوردند، پس از پالایش و بازاریابی به بازار عرضه می‌کردند. اما این شیوه در شرایطی کارآمد است که بازارهایی که شرکت‌ها به آن دسترسی دارند در حال گسترش باشند؛ زیرا بازارهایی که کوچک می‌شوند سودی را که در بخش بالادستی به دست آمده است، تحلیل می‌برند.